

نان و سیاست

تأثیر بحران‌های نان
بر سیاست و اقتصاد عصر ناصری

دکتر مهدی میرکیایی





ISBN 978-964-224-735-6



9 789642 247356 >

www.elmpub.com



nashreelm

۲۵۵۰۰۰ ریال

بسم الله الرحمن الرحيم

نان و سیاست

تأثیر بحران های نان بر سیاست و
اقتصاد عصر ناصری

دکتر مهدی میرکیایی



شعری

سرشناسه	میرگیایی، مهدی -
عنوان و نام پدیدآور	نان و سیاست: تأثیر بحران‌های نان بر سیاست و اقتصاد عصر ناصری/مهدی میرگیایی.
مشخصات نشر	تهران: نشر علم، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۲۹۵ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۷۳۵-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۸۳-۳۰۰.
موضوع	نان- ایران- قیمت‌ها- تاریخ- قرن ۱۳ق- ۱۴
موضوع	ایران- سیاست و حکومت- قرن ۱۳ق- ۱۴
موضوع	ایران- اوضاع اقتصادی- ۱۱۹۳- ۱۳۴۴ق.
موضوع	ایران- اوضاع اجتماعی- قرن ۱۳- ۱۴ق.
موضوع	ایران- تاریخ- قاجاریان، ۱۱۹۳- ۱۳۴۴ق.
رده بندی کنگره	DSR۱۱۶۸/م۹ن۲ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	۹۵۵/۰۷
شماره کتابشناسی ملی	۳۹۲۴۱۳۴



شعاعی

نان و سیاست

نویسنده: دکتر مهدی میرگیایی

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۷۳۵-۶

فهرست

مقدمه	۹
فصل اول: مسئله‌ی نان در عصر ناصری	۱۳
۱-۱ وابستگی اقتصاد عصر ناصری به کشت غلات	۱۴
۲-۱ نقش نان در تغذیه‌ی مردم	۱۸
۳-۱ علل گرانی و قحطی	۲۴
۱-۳-۱ خشکسالی	۲۴
۲-۳-۱ آفات	۲۵
۳-۳-۱ سرما	۲۶
۴-۳-۱ ناامنی	۲۷
۵-۳-۱ کمبود سوخت	۲۹
۶-۳-۱ شیوع بیماری‌های واگیردار	۳۰
۷-۳-۱ تأثیر ایام خاص	۳۲
۸-۳-۱ اخذ گمرگی در شهرها و عوارض راهداری	۳۲
۹-۳-۱ کاشت محصولات صنعتی	۳۶
۱۰-۳-۱ کاهش ارزش پول ملی	۳۸
۱۱-۳-۱ کمبود نقدینگی	۴۰
۱۲-۳-۱ صادرات غله	۴۲
۱۳-۳-۱ راه	۴۵
۱۴-۳-۱ فساد اجزاء مختلف حکومت	۵۱

۵۵	 احتکار ۱۵-۳-۱
۵۸	 سوء مدیریت ۱۶-۳-۱
۶۱	 تأثیر التهابات و شایعات سیاسی ۱۷-۳-۱
۶۳	 دریافت سیورسات اردوهای دولتی ۱۸-۳-۱
۶۵	 ۴-۱ نگاهی به نوسان قیمت غله و نان
۷۱	 ۵-۱ نگاهی به مناطق آسیب‌دیده از قحطی و گرانی و سال وقوع آن‌ها
۷۵	 ۶-۱ واکنش حکومت به گرانی و قحطی
۷۵	 ۱-۶-۱ تسعیر نان و غلات
۷۷	 ۲-۶-۱ تنبیه و عزل
۷۹	 ۳-۶-۱ گشودن انبار محتکران
۸۰	 ۴-۶-۱ منع خروج غله از ولایات
۸۱	 ۵-۶-۱ ممنوعیت صادرات گندم
۸۴	 ۶-۶-۱ بهره‌برداری از غله‌ی دیوانی
۸۷	 ۷-۶-۲ پرداخت مابه‌التفاوت قیمت نان یا غله
۸۸	 ۸-۶-۱ واردات
۹۰	 ۹-۶-۱ حذف عوارض راهداری و گمرکی
۹۱	 ۱۰-۶-۱ پرداخت هزینه‌ی حمل و نقل غلات
۹۲	 ۱۱-۶-۱ اطعام مستقیم گرسنگان
۹۴	 ۱۲-۶-۱ مساعده نقدی و جنسی به زارعان
۹۷	 فصل دوم: پاندهای اقتصادی گرانی و قحطی نان
۹۸	 ۱-۲ کاهش جمعیت
۹۹	 ۱-۱-۲ مهاجرت
۱۱۰	 ۲-۱-۲ مرگ و میر
۱۱۵	 ۲-۲ رکود کشاورزی
۱۲۶	 ۳-۲ بحران حمل و نقل
۱۳۲	 ۴-۲ مرگ و میر احشام

- ۱۳۵..... ۵-۲ شیوع بیماری‌های واگیردار
- ۱۳۹..... ۶-۲ افزایش قیمت سایر مأكولات
- ۱۴۲..... ۷-۲ کمبود نقدینگی و رکود داد و ستد
- ۱۵۵..... ۸-۲ بحران مالی دولت
- ۱۵۵..... ۱-۸-۲ کاهش درآمدها، تحمیل هزینه‌ها
- ۱۶۱..... ۲-۸-۲ تعویق پرداخت مواجب مستمری بگیران
- ۱۶۴..... ۳-۸-۲ استقراض دولت از تجار
- ۱۶۵..... ۴-۸-۲ از هم گسیختگی قشون
- ۱۶۸..... ۹-۲ تحولات مالکیت زمین
- ۱۶۸..... ۱-۹-۲ افزایش خالصه‌ها
- ۱۶۹..... ۲-۹-۲ تصرف زمین‌هایی که وثیقه‌ی وام بودند
- ۱۷۰..... ۳-۹-۲ تبدیل خرده مالکان به کارگران روز مزد
- ۱۷۲..... ۴-۹-۲ افزایش موقوفات
- ۱۷۲..... ۵-۹-۲ نوسان قیمت زمین
- ۱۷۴..... ۶-۹-۲ تصرف بی‌ضابطه‌ی املاک
- ۱۷۵..... ۷-۹-۲ تضعیف خرده مالکی
- ۱۷۷..... ۸-۹-۲ فروش خالصه‌ها
- ۱۷۸..... ۹-۹-۲ پیامدهای فروش خالصه‌ها
- ۱۸۱..... فصل سوم: پیامدهای سیاسی و اجتماعی قحطی و گرانی نان
- ۱۸۲..... ۱-۳ تأثیر بلوایان نان بر روابط حکومت و مردم
- ۱۸۴..... ۱-۱-۳ سرکوب، نخستین پاسخ حکومت به پیام مردم
- ۱۸۷..... ۲-۱-۳ ترس حکومت، پیشگیری از بلوا
- ۱۹۱..... ۳-۱-۳ عزل حکام و دیوانیان، عقب نشینی حکومت
- ۱۹۴..... ۴-۱-۳ افزایش جسارت مردم برای طرح مطالبات
- ۱۹۶..... ۵-۱-۳ ائتلاف اقشار و گروه‌های شهری در برابر حکومت
- ۲۰۲..... ۶-۱-۳ شوراهای نان، تقویت اندیشه اداره امور کشور به صورت شورایی

- ۲-۳ نان، ابزار توطئه‌های سیاسی ۲۰۶
- ۳-۳ توسعه‌ی نفوذ سیاسی علما، تجار و ملاکان ۲۱۴
- ۴-۳ اصلاح‌طلبان و مسئله‌ی نان ۲۲۲
- ۵-۳ تأثیر مسئله‌ی نان بر سیاست خارجی ۲۳۱
- ۱-۵-۳ بی‌اعتباری دولت و اقتصاد ایران در خارج از مرزها ۲۳۲
- ۲-۵-۳ توسعه نفوذ خارجی در امور داخلی ایران ۲۳۵
- ۳-۵-۳ میسیونرهای مذهبی ۲۴۲
- ۴-۵-۳ امداد دیپلمات‌ها به قحطی‌زدگان ۲۴۵
- ۵-۵-۳ پیامدهای منفی قحطی و گرانی برای کشورهای خارجی ۲۴۷
- ۱-۵-۵-۳ ممنوعیت صادرات غله ۲۴۷
- ۲-۵-۵-۳ نقش صادرات غله در رقابت کشورهای همسایه ۲۵۱
- ۳-۵-۵-۳ ناامنی ۲۵۲
- ۴-۵-۵-۳ سرایت بیماری‌های واگیردار به آن سوی مرزها ۲۵۴
- ۵-۵-۵-۳ رکود دادوستد کالاهای فرهنگی ۲۵۵
- ۶-۵-۳ بهره‌برداری اقتصادی کشورهای همسایه از مهاجرت قحطی‌زدگان ۲۵۶
- ۶-۳ پیامدهای اجتماعی قحطی و گرانی نان ۲۵۸
- ۱-۶-۳ دزدی، قتل‌تکدظی ۲۵۹
- ۲-۶-۳ آدم‌خواری ۲۶۲
- ۳-۶-۳ مردارخواری ۲۶۴
- ۴-۶-۳ خودکشی ۲۶۶
- ۵-۶-۳ تأثیر بر نظام خانواده ۲۶۷
- ۶-۶-۳ اوج‌گیری درگیری‌های حیدری-نعمتی ۲۷۰
- ۷-۶-۳ کاهش خیرات و نذورات ۲۷۱
- پیگفتار ۲۷۳
- منابع و مأخذ ۲۸۰
- منابع انگلیسی ۲۹۵

مقدمه

عصر ناصری به عنوان دوره‌ای که بیشترین زمینه‌های فکری و اقتصادی نهضت مشروطیت در آن شکل گرفته، همواره شایسته بررسی و توجه بیشتر بوده است.

در این میان اتکای کامل اقتصاد این عصر به کشت غلات و نقش محوری «نان» در تغذیه‌ی اکثریت مردم، پژوهشگران را به تأمل و تأمل می‌دارد تا تأثیر بحران‌هایی را که بر اثر نوسان قیمت غله و نان شکل می‌گرفته بر حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور بررسی کنند.

به نظر می‌رسد حکومت ناصری و تمام گروه‌ها و اقشار اجتماعی در سراسر این عصر به‌طور مستقیم با مسئله‌ی نان و فراز و نشیب قیمت غله درگیر بوده‌اند.

بحرانی شدن مسئله‌ی نان به بحرانی شدن تمام حوزه‌های اقتصادی و سیاسی دیگر می‌انجامید و نه تنها مشکلات، کاستی‌ها و ضعف‌های این بخش‌ها را عیان می‌کرد بلکه به تشدید این نقاط ضعف منجر می‌شد.

در این اثر نخست به جایگاه کشت غلات در اقتصاد عصر ناصری پرداخته‌ایم و به نقش حداکثری مالیات ارضی در درآمدهای حکومت و رتبه‌ی بالای غلات در این درآمدها توجه نشان داده‌ایم. سپس تلاش کردیم نقش محوری «نان» را به عنوان خوراک اصلی اکثریت مردم کشور توصیف و تشریح کنیم و به‌ویژه با مقایسه‌ی میزان درآمدهای برخی طبقات با قیمت نان بر این نکته که بیشتر درآمدهای ایشان به خرید نان اختصاص می‌یافت و در نتیجه نان غذای اصلی آن‌ها بود تأکید کنیم.

بررسی علل گرانی نان و قحطی‌ها از دغدغه‌های دیگر ما در این پژوهش بوده است. این علل در سه گروه عمده‌ی اقلیمی و طبیعی، اقتصادی و علل انسانی خلاصه می‌شوند. نگاه آماری به تعداد و زمان وقوع گرانی و قحطی‌های نان و مناطقی که دچار این وضعیت می‌شدند پرسش‌ها و

به تبع آن تحلیل‌هایی را موجب می‌شود که بر آگاهی‌های ما در این حوزه می‌افزاید.

در این فصل به واکنش حکومت ناصری به بحرانی شدن مسئله‌ی نان پرداخته‌ایم و نشان دادیم که علی‌رغم ضعف جدی دیوانسالاری قاجار و استبداد سرشته در نهاد حکومت مرکزی و حکام ولایات، حکومت برای گریز از عواقب بسیار سخت بحران‌های نان وادار می‌شد تدابیری را برای کاستن از این پیامدها اتخاذ کند. این امر، دیوانسالاری فرسوده ناصری را به اندکی تحرک وامی‌داشت.

در فصلی که به بحران‌های اقتصادی ناشی از مسئله نان اختصاص دارد بحث را از ملموس‌ترین پدیده‌ی قحطی یعنی کاهش جمعیت آغاز کردیم و سپس از تأثیر این پدیده بر کشاورزی و نیز تجارت داخلی سخن گفتیم. بحران‌های مالی که در طول و پس از قحطی گریبان‌گیر سطوح مختلف جامعه می‌شد افزون بر رکود اقتصادی در حوزه‌هایی همچون مالکیت ارضی نیز مؤثر بود. در این فصل نخست به رکود داد و ستد و مبادلات تجاری داخلی و خارجی پرداخته‌ایم و سپس تلاش کرده‌ایم بحران مالی دولت را در ایام قحطی تشریح کنیم. تلاش ما این بوده است که از سویی علل و اسباب بحران مالی دولت را تشریح کنیم و از سویی به نتایج آن بپردازیم.

سعی کردیم علاوه بر بحرانی که دامن‌گیر حکومت می‌شد، پیامدهای قحطی را برای سه گروه جمعیتی کشور یعنی شهرنشینان، ایلات و روستاییان تشریح کنیم و تأثیر قحطی و گرسنگی را بر ابعاد زندگی هر یک از آن‌ها که تفاوت‌های عمده‌ای با گروه‌های دیگر دارد بررسی کنیم.

تأثیری که قحطی و خشکسالی بر مالکیت ارضی در این دوره داشت مبحث بسیار مهمی است که به‌ویژه از پیامدهای سیاسی آن نباید غافل بود. در این بخش تلاش کردیم تأثیرات مختلف قحطی و رکودی را که در کشاورزی رخ داده بود بر مالکیت زمین ارزیابی کنیم و سپس به تحلیل نتایج این تحولات بپردازیم.

پیامدهای سیاسی قحطی و گرانی نتیجه‌ی بحران‌های اقتصادی آن بود. تحول در روابط حکومت و مردم در پی بلواها و شورش‌های نان از نکات بسیار مهمی بود که تلاش کردیم زوایای مختلف آن را روشن کنیم. استمرار این بلواها در موارد متعدد به عقب‌نشینی حکومت در برابر مردم می‌انجامید؛ حکومتی که مهم‌ترین ویژگی آن استبداد و خوشنوش بود.

تبدیل شدن مسئله‌ی نان به ابزاری برای توطئه‌های سیاسی نکته‌ای بود که به علت تکرار پیاپی

آن در دربار ناصری و حکومت ولایات نباید در این پژوهش مغفول می ماند. اهمیت بحرانی شدن وضعیت نان و غله به حدی بود که به ابزاری کارا و مؤثر برای حذف رقیبان سیاسی تبدیل می شد و به بی ثباتی سیاسی و تغییر پی در پی حکام ولایات دامن می زد.

توسعه ی نفوذ سیاسی علما، تجار و ملاکان از نتایج مهم قحطی ها بود. بحران های نان به همان میزان که نفوذ این سه گروه را افزایش می داد از قدرت حکومت قاجار می کاست. در این بخش تلاش کردیم علل و نتایج این نفوذ روزافزون را بررسی کنیم.

روابط خارجی حکومت ناصری نیز حوزه ای بود که از تأثیر مسئله ی نان در امان نماند. بدیهی است هنگامی که پدیده ای بر تک تک بخش های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور تأثیرگذار است و در فواصل زمانی کوتاه اسباب ایجاد بحران در کشور می شود سیاست خارجی آن را هم متأثر می کند. حساس شدن ناظران و دیپلمات های خارجی به مسئله ای با این گستره ی تأثیر سبب می شد آن ها نیز همواره تحولات کشاورزی و نوسان قیمت غله و نان را رصد کنند و به ویژه پیامدهای آن را در تجارت خارجی ایران مورد ارزیابی قرار دهند.

به دنبال عمیق تر شدن بحران های نان مخصوصا پس از قحطی بزرگ ۱۲۸۸ قمری اندیشه ی ایجاد تغییرات و اصلاحات در حکومت قاجار قوت گرفت. بررسی میزان تأثیر بحران های نان در تمایل حکومت مرکزی به اصلاحات یکی از مباحث ضروری در حوزه ی پیامدهای سیاسی قحطی هاست. همچنین تبدیل شدن مسئله ی نان به بستری برای اعتراض روشنفکران و اصلاح طلبان از نکاتی است که به آن توجه کرده ایم.

در بررسی بحران های اجتماعی ناشی از مسئله ی نان، این بحران ها را به دو دسته تقسیم کرده ایم. نخست بحران هایی که در سطح جامعه به وقوع می پیوست؛ همچون تکدی، قتل، دزدی، آدم خواری، مرده خواری و توقف امور خیریه و نذورات و دوم بحران هایی که دامن گیر خانواده ها می شد. این بحران ها را نیز از آنجا که نتیجه ی پیامدهای اقتصادی و سیاسی بودند در پایان بحث آورده ایم.

در مطالعه ی این پژوهش به دو نکته باید توجه داشت؛ نخست آن که برخی پدیده ها در بحران های نان هم به عنوان علت نقش بازی کرده اند و هم معلول گرانی و قحطی بوده اند. به عنوان مثال شیوع بیماری های واگیردار یکی از عوامل کمبود و گرانی نان بود و از سویی پس از قحطی ها

نیز بروز می‌کرد و از پیامدهای آن‌ها به شمار می‌رفت.

از طرفی برخی پدیده‌ها نظیر ناامنی به جهت نقش بسیار مهمی که در این بحران‌ها داشتند می‌توانستند بخش جداگانه‌ای را به خود اختصاص دهند؛ اما چون به تأثیر آن‌ها در حوزه‌های مختلف اشاره کرده‌ایم و به نقش آن‌ها در این بخش‌ها پرداخته‌ایم در صورت بررسی جداگانه ممکن بود دچار تکرار شویم و برخی موارد را مجدداً مورد بحث قرار دهیم که این امر به انسجام پژوهش لطمه می‌زد.

در پایان باید یادآور شوم که در تالیف این اثر از راهنمایی‌های جناب آقای دکتر داریوش رحمانیان بهره‌ای فراوان بردم. همواره سپاسگزار ایشان خواهم بود.

فصل اول

مسئله‌ی نان در عصر ناصری

۱-۱ وابستگی اقتصاد عصر ناصری به کشت غلات

تبعات قراردادهایی که با کشورهای غربی پیش از عصر ناصری منعقد شده بودند، در این عصر به تدریج رخ می نمودند. روسیه هنگام عقد قرارداد ترکمانچای تعرفه‌ی گمرکی تمام کالاهایی را که از مرز می گذشت (صادرات و واردات) پنج درصد قیمت تعیین کرد. این تعرفه افزون بر تمهیدات دیگری که برای سهولت رفت و آمد و تجارت بازرگانان روس در قرارداد گنجانده شده بود به توسعه‌ی نفوذ اقتصادی این کشور در ایران کمک فراوانی کرد.

پس از این موفقیت روس‌ها، انگلستان نیز امتیازات مشابهی را خواستار شد و همین شرایط را برای تجار انگلیسی به دست آورد. فرانسه و ایالات متحده نیز مدتی بعد با انعقاد قراردادهای مشابه، راه را برای ورود کالاهای خود به ایران تسهیل کردند.

بازرگانان اروپایی با پرداخت پنج درصد تعرفه گمرکی، هنگام انتقال و جابه‌جایی کالاهایشان از پرداخت هرگونه عوارض راهداری و حقوق گمرک‌خانه‌های داخلی معاف بودند. این در حالی بود که تجار ایرانی مجبور بودند تمام این عوارض و حقوق گمرکی را بپردازند. این تحمیلات به تجار ایرانی و تسهیلاتی که برای تاجران خارجی در نظر گرفته می شد سبب‌ساز عقب ماندن بازرگانان ایرانی از رقیبان خارجی می شد. مهم‌تر از این، قیمت ارزان محصولات ماشینی اروپا در مقایسه با اجناس مشابه ایرانی به‌ویژه منسوجات بود. ورود این محصولات ارزان با این تسهیلات به بازار ایران، تاجران و تولیدکنندگان ایرانی را به فلاکت می انداخت.

ابوت، کنسول انگلستان در تبریز، در نخستین سال حکومت ناصرالدین شاه، در

گزارشی به وزارت خارجه‌ی کشورش از بازار پررونق کالاهای انگلیسی در ایران به علت «ارزانی» و «تنوع طرح‌ها» یاد کرده بود: «کالاهای تولیدی انگلیس به خاطر ارزانی و مزیت نمونه و طرح‌ها و تنوع زیاد الگوهایشان که باعث می‌شود مردم بتوانند لباس‌ها گوناگونی داشته و حس تنوع طلب خود را ارضا کنند، به شدت جای کالاهای پنبه‌ای و ابریشمی ایران را گرفته است.» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۰۰)

این دیپلمات انگلیسی شکایت تجار کاشان و تبریز به دربار را جهت جلوگیری از ورود کالاهای اروپایی گزارش کرده و می‌نویسد: «در نتیجه تجارت با اروپا کالاهای وارداتی به تدریج در سرتاسر مملکت پخش شده و باعث از بین رفتن بسیاری از شعب صنایع محلی شده، این صنایع به سرعت رو به انحطاط هستند.» (همان: ۴۰۰)

نفوذ منسوجات اروپایی به کشور به اندازه‌ای بود که یکی از سیاحان انگلیسی که در میانه‌ی عصر ناصری به ایران سفر کرده بود ماهوت‌های تولید منچستر را بر تن مردم ایلیاتی مشاهده کرد. (بیشاپ، ۱۳۷۵: ۱۱۲) این در حالی بود که ایلات اصلی‌ترین تولید کنندگان پشم در کشور بودند.

با نابودی صنایع دستی به‌ویژه منسوجات، ایران که پیش از این صادر کننده‌ی این محصولات- به‌ویژه به روسیه و آسیای میانه- بود به وارد کننده‌ی آن‌ها تبدیل شد. اکنون کشور باید راهی برای یافتن ارزی که به خرید این کالاها اختصاص می‌یافت، پیدا کند. توسعه‌ی صادرات اقلام تولیدی دیگر همچون ابریشم، غلات و پنبه چاره کار بود. به این ترتیب اقتصاد کشور روز به روز به بخش کشاورزی وابسته‌تر می‌شد.

در سال ۱۲۸۱ قمری شیوع آفت ماسکاردین تولید ابریشم ایران را به حداقل رساند. صادرات پنبه که با وقوع جنگ‌های داخلی در آمریکا رونق گرفته بود در سال ۱۲۸۳ قمری به شدت کاهش یافت. تولید کنندگان تلاش کردند کاهش تولید ابریشم را در شمال با کاشت برنج و کاهش پنبه را در مرکز، جنوب و خراسان با کاشت تریاک جبران کنند.

(لمبتن، ۱۳۸۷: ۴۵۰) در این میان غله همچنان یکی از محصولات صادراتی به شمار می‌رفت که بازارهای مناسبی در روسیه، هند و اروپا داشت. (بخش ۱-۳-۱۲)

اما حکومت تنها به ارز حاصل از صادرات غلات نیازمند نبود. غله، اصلی‌ترین محصول کشاورزی کشور بود و بالاترین میزان مالیات ارضی از زمین‌های زیر کشت غله به دست حکومت می‌رسید. مالیات ارضی به دو صورت نقدی و جنسی دریافت می‌شد. در صورت درآمدهای ایران در سال ۱۳۰۶ قمری، مالیات ارضی (نقدی و جنسی) ۵۲/۰۵۷/۹۴۰ قران ذکر شده؛ این درحالی است که مجموع عایدات حکومت برابر با ۵۶/۰۵۷/۹۴۰ قران بوده است. (جمالزاده، ۱۳۷۶: ۱۶۶) به این ترتیب مالیات ارضی بیش از ۹۱٪ درآمدهای حکومت را تشکیل می‌داده است.

درصد مالیات غلات در این مالیات ارضی جالب توجه است. محمدحسن خان اعتماد السلطنه در المآثر و الآثار «صورت مالیات جمیع ممالک محروسه‌ی ایران» را در سال‌های ۱۲۸۶ و ۱۳۰۳ قمری درج کرده است. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۱: ۳۲۴-۳۲۵)

مالیات جنسی در ۱۲۸۶ قمری شامل اقلام و مقادیر زیر بوده است:

غلات: ۲۳۵۲۹۸ خروار و ۸۰ من

کاه: ۱۳۶۵۲۵ خروار

شلتوک: ۸۱۹۴ خروار

نخود: ۷۵ خروار

قصیل: ۱۵۰۰ خروار

صیفی خراسان: ۸۲۶۴ من

مالیات جنسی سال ۱۳۰۳ قمری هم از این قرار بوده:

غلات: ۲۶۶۰۰۰ خروار و ۴۳ من

شلتوک: ۱۲۶۶۰ خروار و ۵۱ من

گاه: ۸۴۲۴۹ خروار و ۸۷ من و ۲۰ سیر

ابریشم: یک من

نخود: ۷۵ خروار

قصیل: ۱۵۰۰ خروار

مقایسه‌ی ارقام مربوط به غلات و کاهی که از مزارع غله به دست می‌آمد با بقیه‌ی محصولات به‌خوبی اهمیت آن را برای درآمدهای دولتی نشان می‌دهد.

غله‌ای که به این صورت از ملاکان دریافت می‌شد به انبارهای دولتی سرازیر می‌شد. اما حکومت صاحب زمین‌های بسیار گسترده‌ی خالصه بود (بخش ۳-۹) که غله‌ی این زمین‌ها نیز وارد انبارهای دولتی می‌شد.

حکومت همان‌طور که مالیات ارضی را به‌صورت نقدی و جنسی دریافت می‌کرد موجب مستمری‌بگیران خود اعم از دیوانیان، شاهزادگان، علما و قشون را نیز به‌صورت ترکیبی از غله و پول نقد پرداخت می‌کرد. حتی هزینه‌های شخصی شاه یا «تنخواه صرف جیب مبارک» از غله‌ی آذربایجان تأمین می‌شد. (طاهر احمدی، ۱۳۷۰: ۱۶۸)

زمین‌داران نیز پس از پرداخت مالیات جنسی غله‌ی خود را به تجار می‌فروختند. غله‌ای که در اختیار تجار بود در شهرها یا به خبازان که نان طبقات فرودست را تأمین می‌کردند فروخته می‌شد و یا به طبقات متمکن که نان را در خانه می‌پختند. برخی از ملاکان نیز مستقیماً بدون دخالت تجار غله‌ی خود را به خبازان می‌فروختند.

به این ترتیب غله به عامل نخست گردش ثروت در جامعه تبدیل می‌شد. بدیهی است در کشوری که بیش از نود درصد درآمدهای آن از مالیات زمین تأمین می‌شد اکثریت جمعیت در بخش کشاورزی فعال باشند و اقلیت باقی مانده نیز به‌عنوان مصرف‌کننده ایسن محصولات به این بخش وابسته باشند.

مشاهده می‌کنیم که از رأس هرم حکومت تا اجزای مختلف آن اعم از شاهزادگان،

صاحب منصبان قشون، سربازان و دیوانیان به غلات وابسته بودند. روستاییان یابه‌عنوان رعیت زمین‌های اربابی و خالصه و یا به‌عنوان خرده مالک، با کشت غله امرار معاش می‌کردند. دو گروه اصلی صاحبان سرمایه- ملاکان و بسیاری از تجار- نیز با تولید و خرید و فروش غله به حیات اقتصادی خود ادامه می‌دادند. حتی به نظر می‌رسد کسانی که پیش از این در بخش صنایع دستی و تولید منسوجات فعال بودند با انحطاط این بخش در بخش کشاورزی فعال شده باشند. (سیف، ۱۳۸۷: ۲۱۹) در میان ایلات نیز برخی به کاشت غله مورد نیاز خود می‌پرداختند و برخی دیگر آن را از روستاها تأمین می‌کردند. (بخش ۱-۲-۱) اصناف، پیشه‌وران و بقیه‌ی طبقات شهری هم برای تأمین نان که خوراک اصلی مردم را تشکیل می‌داد همواره چشم به بازار غله و نوسان‌های آن داشتند. هنگامی که عصر ناصری به میانه‌ی راه خود رسید، با نابودی صنایع دستی اقتصاد کشور کاملاً به بخش کشاورزی متکی شد و غله همچون خونی که در رگ‌های اقتصاد کشور جریان داشت در تعیین سرنوشت حکومت و طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف نقشی حیاتی یافت.

۱-۲ نقش نان در تغذیه‌ی مردم

بسیاری از طبقات مردم ایران بدون مصرف نان گرسنه می‌ماندند. نان غذای اصلی کارگران روزمزد و طبقات تهی‌دست شهری و روستاییان بود. بخش مهمی از تغذیه‌ی طبقات متوسط و متمکن را نیز نان تشکیل می‌داد.

پولاک نان را غذای اصلی طبقه‌ی کارگر ایران می‌داند. (پولاک، ۱۳۶۱: ۸۴) جنر، پژوهشگر انگلیسی، در سال ۱۸۷۱ م نوشت: «غذای آن‌هایی که کار می‌کنند در زمستان فقط نان، برنج و پنیر بد است به همراه کمی چای و در تابستان صیفی‌جات همراه نان.» (سیف، ۱۳۸۷: ۲۴۸)

هانری بایندر نیز نان را خوراک اصلی مردم می‌داند که با برخی صیفی‌جات مصرف

می‌شود: «نان اساس تغذیه را تشکیل می‌دهد و از گندم، ذرت یا بلوط درست می‌شود. آرد را خمیر کرده و به‌صورت دایره روی تابه‌ی آهنی پهن کرده و می‌پزند. همراه این نان خیار، کدو، پیاز و سیر می‌خورند.» (علمداری، ۱۳۹۰: ۴۸)

کلاراکولیورایس هم در پژوهشی پیرامون زندگی روزانه‌ی ایرانیان می‌نویسد: «بخش اعظم ناهار آنان [کارگران] را نان تشکیل می‌دهد که با کمی خورش صرف می‌کنند. خورش می‌تواند شیر، پنیر، کشک، میوه تازه، ترشی یا سرکه، چغندر یا شلغم پخته یا شیربرنج باشد.» (همان: ۱۲۷)

کلمنت آگوستین دوبد هم غذای اصلی مردم کهگیلویه را نان بلوط می‌داند: «غذای معمولی مردم این خطه، بلوط است که ابتدا با دستاس خرد و پس از خشک شدن در آفتاب آرد می‌کنند و زن‌ها از آن نان می‌پزند.» (همان: ۱۳۸)

کنت دوگوبینو هم درباره‌ی یکی از روستاهای قوچان می‌نویسد: «غذاشان را پرسیدم گفتند غذای ما در اینجا در وقت رفاهیت که زراعت خوب می‌شود نان گندم است و شیر و پنیر و ماست... هر سال که گندم خوب به عمل نمی‌آید نان جو می‌خوریم.» (همان: ۱۴۰)

عبدالرحیم ضرابی هم خورک طبقات تهی‌دست کاشان را اینگونه توصیف می‌کند: «فقرا و ضعفا قوتشان نان است و هفته‌ای یک نوبت، دو نوبت گوشت طبخ نمایند و شب‌های عید رمضان و عید نوروز شب اول اسفند شرط است که برای خود پلو بپزند.» (ضرابی، ۱۳۵۶: ۲۴۵)

هینریش بروگش نیز در توصیف قحطی ۱۲۷۷ قمری در تهران از مصرف میوه و سبزی به جای نان می‌نویسد. پیداست که نان خوراک اصلی بوده و در غیبت آن چیزی جز میوه و سبزی جایگزین آن نمی‌شده است: «با رسیدن فصل تابستان و فراوانی سبزیجات، محترکین زیاد در منظور خود موفق نشدند زیرا مردم جای نان شکم خود را با میوه و سبزی پر می‌کردند.» (بروگش، ۱۳۷۳: ۲۱۱)

دریکی از روستاهای آذربایجان به نام گازر سنگ که خالصه بود مردم فقیر به جهت گرانی

غلات با خوردن توت به جای نان، رفع گرسنگی می‌کردند. (افشار، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۱۵۸)

مصرف نان‌های دیگر همچون نان بلوط، ارزن، ذرت و جو به معنای آن است که مردم نه تنها قدرت خرید نان گندم را نداشتند بلکه از بقیه‌ی مأكولات هم محروم بودند. در سیستان، سرزمینی که فراوانی غله گاهی قیمت آن را از بسیاری از مناطق ایران پایین‌تر می‌آورد و ناظران خارجی از آن به‌عنوان «انبار غله» و «مصر اران» یاد می‌کردند (سایکس، ۱۳۳۶: ۳۷۲) رعیت مجبور بودند نان ارزن بخورند. (افشار، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۳۲) در قائن هم با آن که «از هر قطعه زمینی سالی دو سه حاصل» برمی‌داشتند اغلب «رعیتش نان ارزن می‌خورند که قادر به نان جو هم نیستند.» (اعتصام الملک، ۱۳۵۶: ۳۱۴)

در شیراز در ایام گرانی نان ذرت هم طبخ می‌شد که قیمت آن نصف نان گندم بود: «ذرت را هم یک من ده شاهی به خبازان بدهند و نان آن را یک من ده شاهی بفروشند.» (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۱: ۴۴۳) خوراک اصلی ایلات لر هم به‌ویژه در فصل پاییز نان بلوط بود. نجم‌الدوله می‌نویسد: «خوراک الوار در آن فصل همه نان بلوط است.» (نجم‌الدوله، ۱۳۴۲: ۲۰)

در کردستان هم در سال‌های گرانی مردم با نان بلوط سد جوع می‌کردند: «بلوط از جنگل‌های این دو بلوک [دزلی و کلوین] عمل می‌آید که در سال‌های گرانی و قحطی تمامی به بلوط قناعت می‌کنند.» (دیوان بیگی، ۱۳۸۲: ۵۹)

برخی احصائیه‌ها و برآوردهایی که در همان دوران از میزان مصرف نان یا غله افراد یا خانواده‌های ایرانی صورت گرفته نشان دهنده‌ی حجم بالای مصرف نان در خوراک روزانه‌ی مردم است.

در احصائیه‌ای که در سال ۱۳۰۵ قمری در تهران صورت گرفت معلوم شد که هر فرد تهرانی به‌طور متوسط در یک ماه «شش من و سی سیر» نان مصرف می‌کند. (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۴۱۲) این رقم کمی پایین‌تر از مصرف یک روستایی خراسانی (۲۲/۵ کیلوگرم)

است که سایکس گزارش می‌کند. (سایکس، ۱۳۳۶: ۳۲۵)

در گزارش سفارت انگلستان در تهران به وزارت خارجه‌ی آن کشور در سال ۱۸۷۰ م (۱۲۸۷ قمری) میزان گندم مصرفی یک خانواده‌ی ایرانی در سال دو خروار ذکر شده است. (اوکازاکی، ۱۳۶۵: ۳۰) که اگر تعداد افراد خانوار را به‌طور متوسط پنج نفر در نظر بگیریم آن گاه رقم ده کیلوگرم در ماه برای هر نفر به دست می‌آید.

مقایسه‌ی سطح درآمد طبقات فرودست جامعه همچون کارگران روزمزد، خدمتکاران و برخی اصناف شهری با قیمت نان در سال‌های مختلف نشان دهنده‌ی آن است که این طبقات مجبور بودند به نان به‌عنوان خوراک اصلی اکتفا کنند و در ایام گرانی دچار مشکلات فراوانی می‌شدند. جدول شماره‌ی ۱ سطح درآمد روزانه‌ی برخی مشاغل را در سال‌ها و مناطق مختلف برحسب قران گرد آورده است.

جدول ۱- میزان درآمد روزانه‌ی برخی مشاغل

شغل	سال	منطقه	درآمد روزانه به قران
کارگر و کشاورز	۱۲۸۸	کشور	۰/۶۵
کارگر نساجی	۱۲۸۸	یزد	$\frac{۳}{۴}$
سرباز	۱۳۰۵	کشور	۰/۶
کارگر	۱۳۱۱	کشور	۲
سرپیشخدمت	۱۲۹۸	کشور	۱/۶
آشپز	۱۲۹۸	کشور	۱/۶
پیشخدمت	۱۲۹۸	کشور	۱/۳
فراش و نظافتچی	۱۲۹۸	کشور	۰/۸
فراش درجه‌ی ۲	۱۲۹۸	کشور	۰/۶
فراش درجه‌ی ۳	۱۲۹۸	کشور	۰/۵
شاگرد آشپز	۱۲۹۸	کشور	۰/۳

۱/۱	کشور	۱۲۹۸	زن لباسشو
۱	کشور	۱۲۹۸	مهتر یا میرآخور
۰/۶	کشور	۱۲۹۸	شاگرد مهتر
۰/۴	قم	۱۲۸۸	کارگر
۳	مشهد	۱۳۱۱	نچار
۲	مشهد	۱۳۱۱	بنا
۱/۵	مشهد	۱۳۱۱	آهنگر
۱	مشهد	۱۳۱۱	کارگر معمولی
۱	تهران	۱۳۰۴	نوکر میرزا
۰/۷	تهران	۱۲۶۸	کارگر ساختمانی
۰/۵	رشت	۱۲۸۸	کارگر عادی
۲	رشت	۱۲۸۸	نچار و بنا
$\frac{۳}{۴}$	رشت	۱۲۹۵	کارگر
۱	رشت	۱۳۱۰	کارگر عادی
۱/۵	رشت	۱۳۱۰	کارگر مزارع
۲/۵	رشت	۱۳۱۰	بنا و نچار
۱	کشور	۱۳۰۷	کارگر عادی
$\frac{۱}{۲}$ تا $\frac{۳}{۴}$	سیستان	۱۳۱۳	کارگر عادی
$۲\frac{۱}{۲}$ تا ۴	سیستان	۱۳۱۳	بنا
۳ تا ۴	سیستان	۱۳۱۳	نچار
۲ تا ۳	سیستان	۱۳۱۳	آهنگر
۱/۱	سیستان	۱۳۱۳	بچه‌های قالیباف
۱	کازرون	۱۲۹۴	کارگر مزارع

برای تنظیم شماره ۱ از منابع شماره ۳، ۷۲، ۸۴، ۸۹، ۹۵، ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۱ استفاده شده است.